

بررسی اسطوره‌ای نگهبانان و سه پاس شاهنامه فردوسی و انعکاس آن در

سنگ برجسته‌های تخت جمشید

چکیده

جهان‌نگری انسان باورمند به دیدگاه دو بنی، او را ملزم می‌سازد که در جبهه نیکی با تجاوزهای دیوان و اهریمنان نبرد کند و با چشم و گوش و زبان، هوشمندانه از حدود داشته‌های خویش حراست و نگاهبانی کند. پژوهش حاضر به موضوع نگاهبانی و پاسداشت پدیده‌ها و عناصر قدسی پرداخته‌است که بر پایه زیربنای فکری ایران باستان و باورمندی‌های نظام هستی‌شناسی کهن، به دو بن ناساز و متضاد اهریمنی و هرمزدی بخش شده‌اند. نگاهبانی با چشم و گوش و هوش سخت در پیوند است. در این پژوهش، نگاهبانانی از عوالم ملکوت و امشاسپندان و ایزدان در آیین کهن ایران معرفی شده است و جلوه‌های آن در شاهنامه فردوسی استخراج و ثبت گردیده‌است. همچنین سه پاس (پاسبان) مهم هستی انسان (چشم، گوش و زبان) از دیدگاه فردوسی، با نگاهبانان ماورایی همراه با شرح خویشکاری ویژه آنان در متون پهلوی و اوستا با شاهنامه برابر شده و به سنجش درآمده است. مطالعه حاضر به صورت روش تحلیلی-توصیفی و به شکل هرمنوتیک و تفسیری پرداخته شده‌است. در روند مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده، این برآیند حاصل گردید که در ساحت مینوی، فرشتگان و ایزدان به امر نگاهداشت آیین هرمزدی می‌پردازند و خویشکاری آنان حراست از آفریدگان اهورمزدا در تقابل با اهریمن است. در ساحت مادی نیز، انسان‌ها، جانوران، اشیاء و عناصر طبیعت، به شیوه‌ای هم‌راستا و هم‌بنیان به نگاهبانی از جبهه نیکی اختصاص یافته‌اند و در شاهنامه فردوسی در خلال داستان‌ها به آن‌ها اشاره شده‌است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و واکاوی اسطوره‌ای «سه پاس چشم و گوش و زبان» در شاهنامه فردوسی و سنگ برجسته‌های تخت جمشید.
۲. شناسایی و کشف مفاهیم هم‌خویشکار نگاهبانی در شاهنامه و منابع آن.

سؤالات پژوهش:

۱. جایگاه عناصر اسطوره‌ای نگهبانان و سه پاس (چشم، گوش و زبان) در نگاهداشت آیین هرمزدی در تقابل با اهریمن در شاهنامه فردوسی و سنگ برجسته‌های تخت جمشید چگونه بوده است؟
۲. مفاهیم هم‌خویشکار نگاهبانی در شاهنامه و منابع آن کدام‌اند؟

کلیدواژه‌ها: نگاهبان، سه پاس، چشم، گوش، زبان.

مقدمه

در شاهنامه فردوسی نگاهبان و امر نگاهبانی، همچنین فرشته و پیک؛ در دو سویه مینوی و مادی نمود یافته است. دامنه اشتمال آن بر عناصر مادی و فراحسی و مینوی همچون اشیاء، مکان، زمان، سروش و حی، انسان، حیوان و زیرشاخه‌های فراوان آن‌ها شناخته شده است. در این پژوهش به «چشم و گوش و زبان» که به‌طور ویژه هم‌ارز و معادل فرشته و نگاهبان کاربرد دارند، با ذکر خویشکاری‌های ویژه نگاهبانی و فرستگی اشاره می‌شود و شواهد مثال آن از میان ابیات شاهنامه استخراج می‌شود. از آنجاکه در برخی منابع شاهنامه همچون اوستا و کتب پهلوی؛ به معتقدات دینی ویژه درخصوص هستی‌شناسی انسان قائل هستند و همان باورها در قالب شعر به قلم توانای فردوسی در شاهنامه بازتاب یافته است؛ فرصتی ویژه در این مقال دست داده است تا به بررسی ساختاری مفاهیم هم‌پیوند همچون نگاهبان، چشم و گوش و زبان (دریچه ارتباط با فراحس) و خرد برتر پردازیم و این واژگان را در شاهنامه استخراج نماییم. در این پژوهش به‌منظور کوتاهی گفتار؛ از مجموع نمونه‌های دهگانه‌ی نگاهبان تنها به یادکرد چند نمونه بسنده شده است.

در بررسی پیشینه پژوهش منابع گوناگونی مورد بررسی قرار گرفت از جمله: کتاب «شناخت اساطیر ایران» نوشته جان هیلنز به ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی (۱۳۸۴) نیز منبع این جستار بوده است. در مبحث اساطیر زردشتی و معرفی امشاسپندان و نگاهبانان ویژه هرمزد ایزد راهنمای کاملی است. کتاب «مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی» تألیف محمد رضایی‌راد (۱۳۷۹) درخصوص شناخت خرد و معرفی انواع خرد و کارکرد سیاسی آن، گفتارهایی دارد. از آنجاکه پندار ما در باب خرد؛ مفهوم توازن و تعادل چشم و گوش و زبان است و برترین پاسبان جان و تن آدمی نیز هموست؛ ارتباط مؤثر و تعیین‌کننده این منبع با جستار حاضر نشان داده شده است.

پایان‌نامه دانشجویی جوروند (۱۳۹۹)، در تعاریف پردیس و ارتباط امور این جهانی به‌عنوان پیشگام برای رسیدن به پرادیس برین نیز در برخی مطلب راهنمای این پژوهش بوده است. در آن پایان‌نامه به‌طور ضمنی به نگاهبانان و راهنمایان امور مینوی و مادی اشاره شده است و تا حدودی به موضوع بحث حاضر یاری رسانده است. مقاله‌ای با عنوان «جایگاه فن مناظره در شاهنامه فردوسی» در نشریه گوهر گویا توسط غلامعلی فلاح (۱۳۸۷) چاپ شده است که به آن بخش از مقاله حاضر مربوط است که درخصوص کلام و سخن و ویژگی‌های سخنگوی هشیار اشاره می‌کند. از این مقاله نیز به‌طور غیرمستقیم بهره گرفته شده است.

نخست آفرینش خرد را شناس

نگهبان جان است و آن سه پاس

سه پاس تو چشم است و گوش و زبان

کزین سه رسد نیک‌و بد بی‌گمان

(فردوسی، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۴)

بر بنیاد حکمت اشراقی و سلسله نوری، نخستین آفریده‌ای که از هرمزد در هیأت نور ساطع گردید؛ عقل اول یا خرد کلی است. چنانچه خرد را معادل وهومنه یا بهمن امشاسپند بدانیم؛ خویشکاری او پایش گیتی است از جانب هرمزد و نگاهبانی از آفریدگان سپسین که در هیأت نور و ارباب انواع، هستی خواهند یافت. فردوسی حکیم، نخستین آفرینش هرمزد را نگاهبان جان و متعلق به سه ساحت نگاهبانی می‌شناسد. خرد، نماینده و نگاهدارنده گیتی از جانب نورالانوار است و در سه تجلی هم‌پیوند در جان آدمی بروز و مظهریت می‌یابد. «زیرا که گیتی را به نیروی خرد

می‌توان اداره کرد و مینو را هم به نیروی خرد می‌توان از آن خود کرد. این نیز پیداست که اورمزد آفریدگان گیتی را به خرد غریزی آفریده‌است و اداره گیتی و مینو به خرد است» (مینوی خرد، ۱۳۸۵: ۱۹). در شاهنامه فردوسی لیست جلوه‌ها و چهره‌های متعدد نگاهبان و نگاهبانی را می‌توان برشمرد که از زیوندگان ملکوتی تا عناصر طبیعی و جاندار و بی‌جان را شامل می‌شود. محور بنیادی بحث مقاله حاضر؛ بررسی پایداری و نگاهبانی سه‌پاس مشهور در شاهنامه فردوسی (چشم و گوش و زبان) است ولی نگاهبانان هم‌خویشکار دیگر که در اساس و ژرف‌ساخت وظیفه با چشم و گوش و زبان هم‌ریشه و هم‌بنیان هستند نیز در این دفتر بررسی خواهند شد. در سنگ‌برجسته‌های تخت‌جمشید نیز شخصیت‌های الهی در کنار شاهان تصویر شده‌اند. بررسی نقش نگاهبانان می‌تواند زوایایی از این حضور را آشکار سازد.

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده در این جستار این برآیند حاصل شده‌است که نگاهبانی و پایداری آفرینش هرمزدی در برابر تهاجمات اهریمن و عملۀ او؛ نه‌تنها به ایزدان و امشاسپندان که به ساحت ماده و عناصر آفرینش هم پیوند دارد. آدمیان، جانوران، طبیعت جاندار و بی‌جان و اشیاء غیرذی‌روح هرکدام به شیوه‌ای در جبهه مبارزه با اهریمن مشغول پاسبانی و نگاهبانی از حریم داده‌های هرمزدی هستند.

در شاهنامه فردوسی علاوه بر ایزدان و امشاسپندان نگاهبان گیتی در مقابل اهریمن؛ به سه‌پاس چشم و گوش و زبان که نگاهبانان ویژه آدمی و محافظان جان و تن و روان او هستند اشاره شده‌است. این سه‌پاسبان نیز بر پایه مستندات ارائه‌شده در این پژوهش؛ هم‌راستا و هم‌خویشکار با ایزدان و امشاسپندان؛ نگاهبان آدمی در گیتی و مینو هستند و از پرتو نگاهداشت‌های این سه‌پاس است که آدمی در این جهان و جهان مینو رستگار می‌شود و به‌عکس آن کسی که از حمایت این سه‌پاس برخوردار نگردد؛ از خرد بی‌بهره است و بی‌خرد، روان پاک به مینو نخواهد برد. به گفته فردوسی، بی‌گمان از این سه‌پاس است که نیک و بد به آدمی می‌رسد. در سنگ‌برجسته‌های تخت‌جمشید نیز حضور اهورامزدا و دیگر نگاهبانان هستی را در قالب حیوانات می‌توان مشاهده کرد.

فهرست منابع و مآخذ:

- اوستا. (۱۳۸۹). به گزارش جلیل دوست‌خواه. تهران: مروارید.
- پیر بایار، ژان. (۱۳۷۶). رمزپردازی آتش. ترجمه: جلال ستاری. تهران: مرکز.
- خجسته، کیا. (۱۳۸۴). شاهنامه فردوسی و تراژدی آتنی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دادگی، فرنبرغ. (۱۳۸۵). بندهش. چاپ سوم. گزاری نیز مهرداد بهار، تهران: توس.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۱). دانشنامه ایران باستان. تهران: سخن.
- زهر، آر، سی. (۱۳۸۴). زروان یا معمای زرتشتی‌گری. ترجمه: تیمور قادری. تهران: امیرکبیر.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۸۵). سایه‌های شکار شده. چاپ دوم. تهران: طهوری.
- سلیمانی، محسن. (۱۳۹۱). تأملی دیگر در باب داستان. تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- صفی نیا، نصرت. (۱۳۹۵). آیین سوگواری در شاهنامه فردوسی. تهران: هورآفرین

- علی اصغری، محمود. (۱۳۹۵). ساختار سیاسی شاهنامه فردوسی. تهران: هوراآفرین
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵). شاهنامه. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
- قیصری، ابراهیم. (۱۳۹۵). «وصایای پادشاهان در شاهنامه»، مجموعه مقالات همایش آغاز هزاره دوم شاهنامه، با نظارت، محمد راشد محصل.
- کریستین سن، آرتور. (۱۳۸۶). نخستین انسان و نخستین شهریار. ترجمه: ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.
- مالمیر، تیمور. (۱۳۹۱). «ساختار فنی شاهنامه». کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، بهار و تابستان، شماره ۱۶، صص ۱۹۹-۲۲۵.
- محمدزاده، مریم، رضانی، علی و عبادی، رسول. (۱۳۹۳). «منشور سلطنت و خطبه پادشاهان ایران باستان» (با تأملی در شاهنامه، تاریخ طبری، غرراخبار ملوک‌الفرس، پژوهش‌نامه ادبی حماسی، دوره ۱۰، شماره ۱۸، صص ۱۴۴-۱۱۵).
- محمودی بختیاری، علیقلی. (۱۳۸۸). شاهنامه آبشخور عارفان. نشر علم: تهران.
- منصوری، سیما. (۱۳۹۵). بنیان‌های کیش مهر در داستان بیژن و منیژه. تهران: ماهواره.
- مینوی خرد. (۱۳۸۵). به کوشش ژاله آموزگار. ترجمه: احمد تفضلی. چاپ چهارم. تهران: توس.
- وکیلی، شروین. (۱۳۸۹). اسطوره‌شناسی پهلوانان ایرانی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی پازینه.
- ویسپرد. (۱۳۸۱). تاریخ آیین رازآمیز میتراپی. تهران: بهجت.
- ویسپرد. (۱۳۸۱). تفسیر ابراهیم پورداوود. تهران: اساطیر.